

### گزارش

«شرق» از ادامه موضع‌گیری‌های سیاسی و دیپلماتیک پس از تفاهم تهران و واشینگتن و گمانه‌زنی‌های گسترده درباره مفاد منتشرنشده آن گزارش می‌دهد

## جنگ روایت‌ها

**مهدی بازرگان**، با گذشت چند روز از اعلام تفاهم میان ایران و ایالات متحده، فضای سیاسی و رسانه‌های همچنان درگیر روایت‌های متعارض از مفاد و ابعاد این تفاهم است. تقریبا هر رسانه، بر پایه منابع و ارزیابی‌های خود، تصویری متفاوت از تعهدات متقابل تهران و واشینگتن ارائه می‌کند؛ از میزان کاهش تحریم‌ها و چگونگی اجرای تعهدات هسته‌ای گرفته تا دامنه همکاری‌های اقتصادی و امنیتی. این تعدد روایت‌ها نشان می‌دهد که تفاهم اخیر، بیش از آنکه به یک سند شفاف و نهایی شباهت داشته باشد، آغاز مرحله‌ای تازه از چانه‌زنی سیاسی و دیپلماتیک است؛ مرحله‌ای که در آن، تفسیر متن تفاهم به اندازه خود تفاهم اهمیت یافته است. در چنین فضایی، تداوم موضع‌گیری‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و اعضای ارشد دولت او، به‌ویژه جی‌دی ونس، صرفا واکنش‌های رسانه‌ای نیست، بلکه تلاشی برای مدیریت فضای داخلی آمریکا. افتاح مخالفان و ترسیم چارچوب اجرایی توافق محسوب می‌شود. این اظهارات نشان می‌دهد که کاخ سفید، تفاهم با ایران را صرفا یک پرونده دوجانبه نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از بازاریابی معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و سیاست خارجی دولت ترامپ تلقی می‌کند.

در سوی دیگر نیز نشانه‌ها حاکی از آن است که تهران، با وجود تردیدها نسبت به آینده این مسیر و بی‌اعتمادی انباشته از تجربه‌های گذشته، تلاش دارد پنجره‌ای تازه برای کاهش فشارهای اقتصادی و تنش‌های بین‌المللی بگشاید. اظهارات محمداباقر قالیباف مبنی بر اینکه «اکنون باید سنکر را از نیروهای لانچر تحویل گرفت و مردم را از زیر فشار اقتصادی خارج کرد»، بازتاب همین رویکرد است؛ رویکردی که بر انتقال میدان از تقابل نظامی به رقابت دیپلماتیک و اقتصادی تاکید دارد. از این منظر، تفاهم اخیر نه پایان اختلافات، بلکه آغاز آزمونی دشوار برای سنجش اراده سیاسی دو طرف در عبور از بی‌اعتمادی‌های مزمن و حرکت به سوی توافقی پایدار خواهد بود.

**ترامپ و ونس؛ دفاع از تفاهم، تهدید در صورت شکست**

مجموعه مواضع دونالد ترامپ و جی‌دی ونس نشان می‌دهد دولت آمریکا تلاش دارد تفاهم با ایران را به‌عنوان توافقی که هم‌زمان منافع امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی واشینگتن را تأمین می‌کند، به افکار عمومی داخلی و متحدان منطقه‌ای معرفی کند. در عین حال، این پیام نیز به‌صورت مداوم تکرار می‌شود که تفاهم کنونی، توافقی نهایی نیست و ادامه آن کاملا به رفتار ایران وابسته خواهد بود. دونالد ترامپ در دیدار روز گذشته با عبدالفتاح السیسی، همتای مصری خود، در حاشیه نشست گروه هفت در شهر ایویان فرانسه، تفاهم با ایران را عاملی برای کاهش تنش در منطقه و ثبات بازارهای جهانی انرژی توصیف کرد. او مدعی شد که بازگشایی کامل تنگه هرمز صرف مدت کوتاهی انجام خواهد شد و همین تحول موجب کاهش قیمت نفت و بهبود شاخص‌های اقتصادی شده است. از نگاه او، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، مهم‌ترین دستاورد این تفاهم است و شکست مذاکرات می‌توانست اقتصاد جهانی را با رکود و افزایش قیمت انرژی مواجه کند.

رئیس‌جمهور آمریکا در عین دفاع از این تفاهم، تاکید کرد که یادداشت موجود هنوز توافق نهایی محسوب نمی‌شود و جزئیات آن نیز منتشر نشده است. او تصریح کرد که برخلاف برخی ادعاها، هیچ تعهدی برای پرداخت مستقیم پول یا سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران وجود ندارد و واشینگتن حتی «یک سنت» نیز در ایران سرمایه‌گذاری نخواهد کرد.
باین‌حال، او میان سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا و امکان حضور سرمایه‌گذاران سایر کشورها تفاوت قائل شد. ترامپ هم‌زمان بر حفظ اهرم فشار علیه تهران تاکید کرد و مدعی شد تحریم‌ها همچنان ابزار مؤثری هستند. او هشدار داد که اگر ایران به تعهدات خود پایبند نباشد یا رفتار مورد نظر واشینگتن را در پیش نگیرد، آمریکا گزینه نظامی، از جمله ازسربگیری حملات را کنار نخواهد گذاشت. به این ترتیب، رئیس‌جمهور آمریکا تلاش کرد میان دیپلماسی و بازدارندگی نظامی نوعی توازن برقرار کند؛ به این معنا که تفاهم جایگزین فشار نیست، بلکه در کنار فشار تعریف می‌شود. در همین چارچوب، جی‌دی ونس نیز عصر سه‌شنبه به وقت محلی، در برنامه در مکزین کلنی از تفاهم با ایران دفاع کرد و آن را فراتر از یک توافق دوجانبه دانست. به گفته او، این روند بخشی از یک «توافق صلح منطقه‌ای» است که علاوه بر ایران، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، اسرائیل و لبنان را نیز در بر می‌گیرد و می‌تواند زمینه‌ساز بازاریابی نظم منطقه‌ای باشد. معاون اول ترامپ بخش مهمی از سخنان خود را به پاسخ‌گویی به مخالفان داخلی اختصاص داد. او از جریان‌های تندرو و حامی مداخله نظامی انتقاد کرد و گفت برخی خواهان اعزام صدها هزار نیروی آمریکایی به منطقه هستند، در حالی که دولت ترامپ چنین رویکردی را نه ضروری می‌داند و نه به سود منافع آمریکا. وی تاکید کرد که تفاهم کنونی برخلاف «طرح مارشال» متکی بر مباحث مالی مالیات‌دهندگان آمریکایی نیست و هیچ هزینه مستقیمی برای واشینگتن ایجاد نمی‌کند، به گفته معاون رئیس‌جمهور آمریکا، توافقی صلح‌آمیز این تفاهم آن است که ایران تنها در صورت تغییر رفتار، امکان بهره‌مندی از مزایای اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را خواهد داشت. او توضیح داد که اگر کشورهای منطقه، ازجمله امارات متحده عربی، بخواهند در آینده در پروژه‌های اقتصادی ایران مشارکت کنند، این امر تنها در صورت تغییر رفتار تهران و تعدیل محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

ونس همچنین با اشاره به اختلاف‌نظرهای موجود در حزب جمهوری‌خواه، تاکید کرد که ائتلاف سیاسی حامی ترامپ مجموعه‌ای متنوع از دیدگاه‌ها را در بر می‌گیرد، اما اکنون همه باید از توافقی حمایت کنند که به اعتقاد دولت، امنیت آمریکا را بدون ورود به یک جنگ پرهزینه تأمین می‌کند. در مجموع، سخنان ترامپ و ونس نشان می‌دهد که دولت آمریکا می‌کوشد تفاهم با ایران را نه به‌عنوان عقب‌نشینی، بلکه به‌عنوان راهبردی برای مهار تهران، کاهش هزینه‌های نظامی آمریکا و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای معرفی کند؛ نظمی که تحقق آن را به تغییر رفتار ایران و استمرار پایبندی دو طرف به تعهداتشان گره می‌زند.

**واشینگتن؛ تأخیر حساب‌شده در انتشار متن تفاهم با ایران**

با وجود گذشت چند روز از اعلام تفاهم میان ایران و ایالات متحده، هنوز متن رسمی این تفاهم‌نامه منتشر نشده و همین موضوع به گمانه‌زنی‌های گسترده درباره مفاد و ابعاد آن دامن زده است. مجموعه مواضع اخیر مقام‌های آمریکایی نشان می‌دهد که واشینگتن دست‌کم در مقطع کنونی ترجیح داده است از انتشار جزئیات سند خودداری کند تا روند اجرای تفاهم و مدیریت حساسیت‌های منطقه‌ای با کمترین تنش پیش‌برود. این در حالی است که روایت‌های متفاوت رسانه‌ای از تعهدات دو طرف همچنان ادامه دارد و همین مسئله، فضای سیاسی پیرامون تفاهم را در هاله‌ای از ابهام نگه داشته است.

جمعه، آغاز فصلی تازه در روابط ایران نه‌فقط با آمریکا بلکه با دنیا خواهد بود. توافقی که در سئوئیس امضا خواهد شد، شاید پایان نیم‌قرن تنش و تخص‌منش باشد، اما نشانه‌ای برای مدیریت بحران و کنترل تنش است. برای فهم اهمیت این لحظه، باید چند دهه به عقب بازگشت. داستان ایران و آمریکا، دست‌کم در حوزه دیپلماسی، داستان فرصت‌های از‌دست‌رفته، توافق‌های نیمه‌تمام و مذاکراتی است که هر بار تا آستانه تغییر مسیر تاریخ پیش رفتند، اما هیچ‌گاه نتوانستند به یک مصالحه پایدار تبدیل شوند.

از دولت موقت اوایل انقلاب که به سفیر جدید آمریکا در ایران «نه» گفت تا ماجرای کروگان‌گیری و تداوم آن، از اختلافات درباره بیانیه الجزایر تا پرونده مک‌فارلین و از شکل‌گیری زمینه‌های عادی‌سازی روابط در ابتدای دهه ۷۰ شمسی تا همکاری ایران و آمریکا در مبارزه با تروریسم و صدام. هشت رئیس‌جمهور در آمریکا و ۹ رئیس‌جمهور در ایران طی ۴۷ سال گذشته درگیر تنش‌هایی بوده‌اند که فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است.

در این نیم‌قرن، تیم‌های مذاکره‌کننده تغییر کرده‌اند، راهبردها دگرگون شده‌اند و چهره‌های مختلفی مانند علی‌اکبر ولایتی، شهید کمال خرازی، علی‌اکبر صالحی، محمدجواد ظریف و دیگران مأمور پیشبرد مذاکراتی بوده‌اند که جز در برجام، نتیجه روشنی در پی نداشته‌اند. همین موضوع شاید مهم‌ترین نکته‌ای باشد که در تحلیل توافق احتمالی جمعه باید به آن توجه کرد.

در فضای سیاسی ایران، معمولا ناکامی مذاکرات به اشخاص نسبت داده می‌شود؛ گاهی دولت‌ها متهم می‌شوند، گاهی مذاکره‌کنندگان و گاهی نیز تغییر دولت‌ها مذاکرات نشان می‌دهد مسئله به‌مراتب پیچیده‌تر از عملکرد افراد است.

اگر مشکل صرفا ضعف تیم‌های مذاکره‌کننده بود، مذاکرات دولت اصلاحات باید به نتیجه می‌رسید. اگر مسئله تنها به اراده سیاسی وابسته بود، برجام می‌توانست نقطه پایان منازعه باشد. اگر تغییر دولت‌ها تعیین‌کننده بود، آمدن دولت‌های جدید باید مسیر را تغییر می‌داد. اما هیچ‌یک از این اتفاقات رخ نداد. واقعیت این است که در بیش از دو دهه گذشته، افراد تغییر کرده‌اند، اما مسئله اصلی تغییر نکرده است. نقطه عطف این مسیر، بدون تردید توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بود؛ توافقی که حاصل سال‌ها مذاکره فشرده میان دولت باراک اوباما و تیم دیپلماسی ایران به ریاست محمدجواد ظریف بود.

برجام در زمان خود بزرگ‌ترین دست‌اورد دیپلماتیک روابط تهران و واشینگتن پس از انقلاب به شمار می‌رفت و بسیاری تصور می‌کردند این توافق می‌تواند آغازگر روندی باشد که در نهایت به کاهش پایدار تنش‌ها منجر شود. اما برجام هرگز به ترک مخاصمه تبدیل نشد. این توافق اگرچه بخشی از بحران را مدیریت کرد، ولی نتوانست اختلافات راهبردی دو کشور را حل کند. از همین رو، با کاهش قدرت در واشینگتن و ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، یکی از مهم‌ترین توافق‌های تاریخ روابط ایران و آمریکا نیز وارد مرحله فروپاشی شد. خروج آمریکا از برجام، بیش از هر چیز پیام



**بررسی یک چرخش بزرگ در روابط ایران و آمریکا در گفت‌وگو با کارشناسان**

# سایه جنگ، امید صلح

### زهره‌فرهانی

روشن داشت؛ اینکه توافقی‌های مقطعی، مادامی که به تفاهمی عمیق‌تر درباره اختلافات بنیادی تبدیل نشوند، در برابر تغییرات سیاسی آسیب‌پذیر خواهند بود. همین تجربه موجب شد بسیاری از تحلیلگران در سال‌های بعد به این جمع‌بندی برسند که بحران ایران و آمریکا نه یک بحران فنی، بلکه یک بحران راهبردی است؛ بحرانی که صرفا با تغییر مذاکره‌کننده یا جابه‌جایی دولت‌ها حل نمی‌شود.

در نهایت، جنگ ۴۰روزه معادله را وارد مرحله‌ای تازه کرد. اگر تمام مذاکرات دو دهه گذشته در سایه تقابل غیرمستقیم انجام شده بود، جنگ اخیر برای نخستین بار دو طرف را وارد فضایی کرد که هزینه‌های رویارویی مستقیم را نیز تجربه کنند. از بازارهای انرژی تا امنیت مسیرهای دریایی و تجارت جهانی، همه تحت تأثیر این تقابل قرار گرفتند. شاید به همین دلیل باشد که تفاهم‌نامه جمعه از بسیاری جهات با توافقی‌های گذشته متفاوت است. این بار مذاکره نه در دوران آرامش، بلکه در سایه تجربه جنگ شکل گرفته است؛ توافقی که هدف نخست آن نه حل همه اختلافات، بلکه متوقف‌کردن روندی است که می‌توانست منطقه را وارد چرخه‌ای پرهزینه‌تر از تنش و درگیری کند. باین‌حال، بزرگ‌ترین پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده است: آیا این تفاهم‌نامه می‌تواند مقدمه‌ای برای توافقی گسترده‌تر باشد؟

برخی گزارش‌ها از یک دوره ۶۰روزه پس از امضای تفاهم‌نامه سخن می‌گویند؛ دوره‌ای که طی آن دو طرف تلاش خواهند کرد امکان رسیدن به توافقی فراگیرتر را بررسی کنند؛ توافقی که در صورت تحقق، می‌تواند یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه در دهه‌های اخیر باشد. این توافق، اگر به نتیجه برسد، پایان اختلافات تهران و واشینگتن نخواهد بود؛ همان‌گونه که برجام نیز پایان اختلافات نبود. اما می‌تواند نخستین گام برای خروج از خطرناک‌ترین مرحله این منازعه باشد؛ مرحله‌ای که برای نخستین بار دو کشور را از پشت میزهای مذاکره به میدان رویارویی مستقیم کشاند. جمعه، بیش از آنکه روز امضای یک سند تفاهم باشد، روز آغاز یک مسیر سرنوشت‌ساز است؛ مسیری که پاسخ آن مشخص خواهد کرد آیا تهران و واشینگتن سسرانجام راهی برای عبور از چرخه چهار دهه‌ای بحران پیدا کرده‌اند یا بار دیگر تاریخ خود را تکرار خواهد کرد.

با توجه به حجم تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌های مطرح‌شده، باید تا روز جمعه و انتشار متن تفاهم منتظر ماند. در این فضای پر از شایعات و برداشت‌های مختلف، روزنامه «شرق» در همین زمینه تصمیم گرفته است با احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی گفت‌وگویی انجام دهد که در ادامه می‌خوانید.

**اردستانی: از ایدئولوژی تا واقع‌گرایی**



دربراه روند مذاکرات ایران و آمریکا، احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به تغییر تدریجی محاسبات دو طرف و کاهش نسبی بی‌اعتمادی ۴۸ساله، تاکید می‌کند فضای کنونی بیش از آنکه محصول توافقی نهایی باشد، نتیجه حرکت آرام به سمت واقع‌گرایی در روابط دو کشور است. مسیری که به گفته او با وجود همه بن‌بست‌ها و اختلاف‌ها، اکنون نشانه‌هایی از امکان تفاهم را در خود ارد. این نماینده مجلس در پاسخ به چرایی شکل‌گیری فضای فعلی، در آغاز سخنان خود با بیان اینکه نگاهش به این تفاهم خوشبینانه است، در گفت‌وگو با «شرق» گفت: در نهایت در نزاع میان جنگ و صلح که دو روی یک سکه هستند، اصالت با صلح است و جنگ استناست. او افزود: تجربه تاریخی نشان می‌دهد در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) حدود ۲۰ میلیون نفر و در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۰) حدود ۶۰ میلیون نفر کشته شدند. اما پس از آن جهان حدود ۷۰ سال تجربه صلح داشته؛ بنابراین صلح اصل است.

### اخبار

زاکاتی:

**۱۷ تیرماه عراق میزبان پیکر رهبر شهید خواهد بود**

علیرضا زاکاتی، شهردار تهران، در جمع خبرنگاران درباره مسیر تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب اظهار کرد: محور تشییع خیابان‌های دماوند، انقلاب و آزادی به سمت اتوبان لشکری است. مسیر بنا بر ظرفیتی که بتواند ۲۰ میلیون نفر را در خود جای دهد، انتخاب می‌شود. تلاش ما این است شریان‌های اصلی به‌علاوه پیوسته‌های آن در خیابان‌های فرعی خدمت دهند.

او در توضیح بیشتر اظهار کرد: محور تشییع محور خیابان دماوند، خیابان انقلاب و آزادی است و بعد از آن بعد به سمت لشکری ادامه دارد، اما اینکه کدام مقطع این مسیر انتخاب می‌شود، بنا بر ظرفیتی است که بتواند حدود ۲۰ میلیون جمعیت را در خود جای دهد. طبعاً خیابان یک چنین ظرفیت جامعی را ندارد؛ تلاش این است که شریان‌های اصلی به‌علاوه پیوسته‌های اطراف خود در خیابان‌های فرعی این خدمات را بتوانند بدهند و گنجایش چنین ظرفیتی را داشته باشند.

او گفت: ۱۷ تیر پیکر رهبر شهید انقلاب برای تشییع راهی کشور عراق خواهد شد. براساس برنامه‌ریزی ۱۳ و ۱۴ تیر مراسم وداع در مصلای امام خمینی و روز ۱۵ تیر تشییع را در تهران خواهیم داشت. روز ۱۶ تیر هم مردم قم برای وداع با رهبر شهید می‌توانند در این شهر حاضر شوند. شهردار تهران با اشاره به اینکه همه ابعاد در مجموعه‌های متولی و مسئول برای مراسم تشییع در حال پیگیری است، گفت: امیدواریم مدیریت شهری هم در کنار سایر متولیان بتواند به طائران رهبر مجاهد شهید خدمتی ارائه دهد.

**قالیباف:**

**باید سنکر را از بچه‌های پای لانچر تحویل گرفته‌و برای مردم رفاه ببوریم**

رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: امروز باید سنکر را از بچه‌های پای لانچر تحویل گرفته و با قدرت برای مردم رفاه ببوریم. محمداقفر قالیباف، نماینده ویژه ایران در امور چین، در نشست همفکری با اتاق بازرگانی ایران بیان کرد: امروز باید سنکر را از بچه‌های پای لانچر تحویل بگیریم، بایستیم و این مردم را از زیر فشار اقتصادی دربیاوریم. بایستیم زندگی مردم را بسازیم. او در ادامه اظهار کرد: نمی‌خواهم بگویم بریز و بپاش انجام دهیم، بلکه یک زندگی راحت و رفاهی برای مردم فراهم کنیم. مملکت خود را بسازیم. با قدرت بسازیم. در همه بخش‌ها بسازیم.

حتما چین برای ما منحصرفرد است. این ما هستیم که باید چین باور کند –باور هم خواهد کرد– که ما صرفا یک مشتری یا همتای تجاری نیستیم، بلکه ما واقعا با چین یک شریک به تمام معنا هستیم. رئیس مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اهمیت توسعه روابط با چین و ضرورت تمرکز بر حل مشکلات اقتصادی مردم گفت: اهمیت این جلسه برای من همین بس که در نخستین فرصتی که از شرایط جنگی و ایزولوتی ناشی از آن پیدا کردم، کمتر از ۴۸ ساعت بعد از دوستان خواستم این نشست برگزار شود. من به دعوت نیامدم، بلکه به درخواست آمدم و با افتخار هم آمدم. گفتم فرصتی باشد که با عزیزانمان صحبت کنم. امروز آمدمام و دست استمعداد دارم. شما من را می‌شناسید؛ من اگر کسی نیاید منتظر نمی‌مانم. نماینده ویژه ایران در امور چین با تاکید بر نقش نخبگان و کارشناسان در تصمیم‌سازی‌ها گفت: این فرصت در دست من و شماست. من با همه وجود می‌خواهم از شما و همه آن ۳۱ میلیون نفری که در پوشش جان‌فدا ثبت‌نام کردند و قطعا افراد صاحب‌نظر بین آنها بسیار زیاد است، تقاضا کنم که بیایند و برای من تصمیم‌سازی کنند تا بتوانم تصمیم درست بگیرم. وی در ادامه تاکید کرد: من فردی نیستم که بدون تصمیم مابنم و معطل شوم، شما برای من تصمیم‌سازی کنید تا من تصمیم‌گیری کنم. هرگز وارد جزئیات نمی‌خواهم بشوم. من فقط می‌خواهم برای شما تسهیل کنم؛ اینکه این کار را بکنید یا آن کار را نکنید یا از من اجازه بگیرید، هرگز چنین نخواهد بود. ما باید با دقت، شناخت و علاقه حرکت کنیم. البته عزت خودمان را داریم، استقلال خودمان را داریم، نگاه خودمان را داریم و دوستان خودمان را نیز به‌خوبی می‌شناسیم.

<sup>[1]</sup> صفحه ۳

<sup>[2]</sup> صفحه ۳